

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا  
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل  
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چهل حدیث سیره نبوی

نویسنده:

جعفر شریعتمداری

ناشر چاپی:

جعفر شریعتمداری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۵  | فهرست                    |
| ۷  | چهل حدیث سیره نبوی       |
| ۷  | مشخصات کتاب              |
| ۷  | معرفی اجمالی پیامبر اکرم |
| ۷  | مقدمه                    |
| ۸  | بندگی                    |
| ۸  | سجود                     |
| ۸  | جاذبه نماز               |
| ۸  | آهنگ قرآن                |
| ۸  | گریه در نماز             |
| ۹  | بالمّت                   |
| ۹  | ادب با همنشین            |
| ۹  | ادب گوش دادن             |
| ۹  | ادب نشستن                |
| ۹  | بامهمان                  |
| ۹  | مصافحه                   |
| ۹  | خوش خلقی                 |
| ۱۰ | گفتار                    |
| ۱۰ | خوراک                    |
| ۱۰ | شوخی                     |
| ۱۰ | خوردن به اندازه          |
| ۱۰ | غذای جمعی                |
| ۱۰ | سخن به اندازه فهم مردم   |

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۱۰ | عدالت در نگاه              |
| ۱۱ | عاطفه                      |
| ۱۱ | خشم برای خدا               |
| ۱۱ | مسواک                      |
| ۱۱ | تنظیم وقت                  |
| ۱۱ | حفظ زبان                   |
| ۱۱ | ارزشهای اخلاقی             |
| ۱۲ | فرزند دختر                 |
| ۱۲ | رو به قبله                 |
| ۱۲ | تواضع                      |
| ۱۲ | آراستگی                    |
| ۱۲ | لبخند در سخن               |
| ۱۲ | راه رفتن                   |
| ۱۲ | ساده زیستی                 |
| ۱۳ | شجاعت                      |
| ۱۳ | شکر                        |
| ۱۳ | مجلس پیامبر                |
| ۱۳ | در جمع یاران               |
| ۱۳ | عطر                        |
| ۱۳ | مردمداری                   |
| ۱۴ | فروتنی                     |
| ۱۴ | غمزدایی از اصحاب           |
| ۱۴ | گذری بر سیره اخلاقی پیامبر |

## چهل حدیث سیره نبوی

## مشخصات کتاب

نویسنده: جعفر شریعتمداری

ناشر: جعفر شریعتمداری

## معرفی اجمالی پیامبر اکرم

رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم در روز جمعه ۱۷ ربیع الاول عام الفیل (۵۷۰ میلادی) در مکه به دنیا آمد و در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری در مدینه رحلت نمود. مدت عمر آنحضرت ۶۳ سال و قبرشان در مدینه است. مادرش آمنه بنت وهب و پدر بزرگوارش عبدالله فرزند عبدالمطلب بود. پدر را قبل از تولد و مادر را در سن ۵ سالگی از دست داد و سرپرستی او را عبدالمطلب و سپس ابو طالب به عهده گرفت. در سن ۲۵ سالگی با خدیجه ازدواج کرد و ثمره آن دو پسر و چهار دختر بود. در سن ۴۰ سالگی در ۲۷ رجب سال ۴۰ عام الفیل به پیامبری مبعوث شد. مدت پیامبری حضرت ۲۳ سال به طول انجامید و در این مدت آخرین هدیه الهی به بشریت قرآن کریم بر قلب مبارکش نازل و بر زبان گهر بارش جاری گشت.

## مقدمه

امام سجاد علیه السلام فرمود: «الا و ان ابغض الناس الی الله من یقتدی بسنه امام و لا یقتدی بأعماله». هشدار که منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که شیوه امامی را پیروی کند ولی از سیره عملی او پیروی ننماید. برای «چگونه بودن» نیاز به الگو داریم و نقش الگو در تربیت چنان روشن است که نیازی به بیان و توضیح نیست. آنچه در این الگوگیری و اسوه یابی و تأسی به اخلاق اولیاء کارساز است، آشنایی با جزئیات صفات و رفتار آن حضرات است، نه کلیات. خوشبختانه در کتب حدیث و سیره، نمونه های رفتاری پیامبر و امامان بصورت ریز و جزئی آمده است که آشنایی با آنها بسیار سودمند است و گامی جهت خودسازی و تعالی بخشیدن به جامعه است انسان در دید ژرف نگر، اسلام، بیابان گردی سرگردان و گمگشته ای در تاریکزار زندگی نیست. او کشتی شکسته ای شور بخت و ناامید و اسیر موجهای بیمزا و هراس آفرین نمیشد. بلکه موجودی مسؤول است که با مقصد و مقصودی مشخص، با زاد و توشه ای کامل و راهنمایی درونی و برونی به سفری پرداخته که از صحرای عدم آغاز میشود و تا بار یافتن به لقاء الهی ادامه دارد. تمامی نیروهای خلقت، انسان را در این سفر صادقانه یاری میکنند و خدا با لطف بیکران خویش به هدایت او از راههای گوناگون پرداخته است و بهترین جایگاه جاودانه را در سرای آخرت برای او مهیا کرده است. انسان برای به دست آوردن نیک بختی خویش و سعادت مندی جامعه و رضایت خداوند باید در طول این سفر چگونه زیستن را بیاموزد و این آموزه ها را در زندگی خویش بکار گمارد. اسلام عزیز برای پاسخگویی بدین سؤال بسیار اساسی دو شیوه را دنبال نموده است: الف: بیان احکام و دستورهای زندگی از آغاز تا فرجام: ارائه الگوهای تربیتی و نمونه های عینی کمال بر اساس همین شیوه دوم در قرآن مجید بارها از پیامبران و دیگر انسانهای والا سخن به میان آمده است، و از جنبه های الگویی آنان ستایش شده تا دیگران نیز به آنان تأسی بجویند. در مکتب حیاتبخش تشیع (اسلام راستین) معرفی این الگوهای الهی گسترده تر است و پیشوایان معصوم که بهترین اسوه ها و الگوهای زندگی هستند فرا روی چشمان باز و دلهای آگاه قرار دارند تا آنانکه مسئولیت الهی و رسالت انسانی خویش را درک کرده اند و تصمیم برای رسیدن به چکادهای فرازمند فضیلت و کمال دارند با درس گرفتن از آنان زیستنی شرافتمندانه که سعادت

دنیا و آخرت را تأمین میکند در پیشگیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام اسوه‌بشریتاند و تبعیت عملی از آنان رهنمون کمالجویان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ادبى ربى فاحسن تأدیبى» خداوند مرا تأدیب کرده و ادبم را نیکو ساخته است. ویژگی سیره معصومین در این است که مورد پسند و قبول پروردگار است و با اطمینان میتوان از آن پیروی کرد. اکنون به عنوان نمونه ای از دریای موج و گرانقدر روایات، چهل حدیث از سیره هر یک از معصومین علیه السلام به پیشگاه امت اسلامی عرضه میشود. امید که همه ما را چراغ راه و ره توشه سفری باشد باری رسیدن به سعادت دنیا و نیکبختی آخرت. در این چهل حدیث، از میان انبوه روایات مربوط به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گزینش پرداخته ایم و از آن بوستان با صفا و دل انگیز، دسته گلی برای شما چیده و ارمغان آورده ایم، باشد که مطالعه آن، چشم دل‌مان را روشنتر سازد و رفتار حضرت رسالت، الگوی زیستن ما شود و رشته جانمان به عشق نبوی پیوسته تر گردد، تا از این راه به آن «حبیب خدا» نزدیکتر شویم. قال الله تبارک و تعالی: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، آیه ۲) برای شما در پیامبر خدا (و رفتار و اخلاق او) سر مشقی نیکوست.

### بندگی

قال الصادق علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يأکل اکل العبد و یجلس جلسہ العبد و یعلم أنه عبد». امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مانند بنده غذا میخورد و مانند بنده مینشست و میدانست که بنده است. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۲.

### سجود

قال الباقر علیه السلام: «ما استیقظ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من نوم الاخر لله ساجدا». امام باقر علیه السلام فرمود: هیچگاه پیامبر خدا از خواب بیدار نشد، مگر اینکه سر به خاک نهاده، برای خدا سجده میکرد. مکارم الاخلاق، ص ۳۹.

### جاذبه نماز

قال علی علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا یؤثر علی الصلوه عشاء و لا غیره و کان اذا دخل وقتها کانه لا یعرف اهلا و لا حمیما». امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ چیز راه، نه شام و نه غیر آنرا بر نماز مقدم نمیداشت. هرگاه وقت نماز فرا میرسید، رسول خدا دیگر نه خانواده میشناخت و نه دوست. سنن النبى، ص ۲۶۸.

### آهنگ قرآن

قال الباقر علیه السلام: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان احسن الناس صوتا بالقران». امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اسلام، از همه مردم زیباتر و خوش آهنگ تر قرآن میخواند. سنن النبى، ص ۳۱۱.

### گریه در نماز

قال السجاد علیه السلام: «کان یبکی حتی یتل مصله خشیه من الله عزوجل من غیر جرم». امام سجاد علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز، آن قدر گریه میکرد تا آنکه جانمازش تر میشد، این بخاطر خوف از خدا بود، بى آنکه جرمی داشته

باشد. سنن النبی، ص ۳۲.

### باامت

قال انس بن مالک: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يعود المريض و يتبع الجنازة و يجيب دعوه المملوك». انس بن مالک گوید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عیادت مریض و تشییع جنازه میرفت و دعوت برده را میپذیرفت. مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

### ادب با همنشین

قال علی علیه السلام: «ما رئی مقدما رجله بین یدی جلیس له قط» علی علیه السلام میفرماید: هرگز دیده نشد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پای خود را پیش کسی دراز کند. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

### ادب گوش دادن

قال علی علیه السلام: «لا یقطع علی احد کلامه حتی یجوز فی قطعه بنهی او قیام». امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر هرگز سخن کسی را قطع نمیکرد، مگر آنگاه که بیش از حد حرف بزند (یا از مشروع، فراتر رود) آن وقت او را نهی میکرد یا برمیخواست. سنن النبی، ص ۱۸.

### ادب نشستن

قال علی علیه السلام: «كان صلى الله عليه وآله لا یجلس و لا یقوم الا علی ذکر الله و لا یوطن الا ما کن و ینهی عن ایطانها و اذا انتهی الی قوم جلس حیث ینتهی به المجلس و یأمر بذلک». علی علیه السلام فرمود: نشستن و برخاستن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با یاد خدا بود. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمیکرد و از این کار نهی میفرمود. هر گاه به جمعی میپیوست، هر جا که خالی بود مینشست و به این کار نیز دستور میداد. سنن النبی، ص ۱۶.

### بامهمان

قال الکاظم علیه السلام: «ان رسول الله صلى الله عليه وآله اذا اتاه الضیف اکل معه و لم یرفع یده من الخوان حتی یرفع الضیف یده». امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مهمان داشت، با او غذا میخورد و دست از سفره و غذا نمیکشید، تا آن که مهمان دست از غذا خوردن بکشد. سنن النبی، ص ۶۷.

### مصافحه

قال الصادق علیه السلام: «ما صافح رسول الله صلى الله عليه وآله رجلا قط فتزع یده حتی یكون هو الذی ینزع یده منه». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با کسی دست نداد که دستش را عقب بکشد مگر آن که طرف مقابل دست خود را عقب ببرد. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۹.

### خوش خلقی

قال علی علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، دائم البشر، سهل الخلق، لين الجانب، ليس بفظ ولا غليظ.» امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره خوشرو، خوش خو و نرم بود، خشن و درشت خوی نبود. مکارم الاخلاق، ص ۱۴.

### گفتار

قال علی علیه السلام: «كان صلى الله عليه وآله وسلم لا يذم احدا ولا يعيره ولا يطلب عثراته ولا عورته ولا يتكلم الا فيما رجي ثوابه.» امام علی علیه السلام فرمود: آن حضرت هرگز کسی را مذمت نمیکرد، و در پی لغزشها و عیوب و اسرار دیگران نبود و سخن نمیگفت مگر آنجا که امید ثواب داشت. سنن النبی، ص ۱۷.

### خوراک

قال الصادق علیه السلام: «ما زال طعام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الشعر حتى قبضه الله اليه.» امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا روز وفات خود، همواره طعامش نان جو بود. سنن النبی، ص ۴۹.

### شوخی

قال الصادق علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يداعب ولا يقول الا حقا.» امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شوخی و مزاح میکرد، ولی جز حق چیزی نمیگفت. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

### خوردن به اندازه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «نحن قوم لا نأكل حتى نجوع وإذا اكلنا لا نشبع.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ما جمعیتی هستیم که تا کاملاً گرسنه نشویم غذا نمیخوریم و چون میخوریم، خود را کاملاً سیر نمیکنیم. سنن النبی، ص ۱۸۱.

### غذای جمعی

قال الصادق علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إذا اكل مع القوم طعاما كان اول من يضع يده و آخر من يرفعها ليأكل القوم.» امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه در جمع مردم غذا میخورد، اولین کسی بود که دست به غذا دراز میکرد و آخرین فردی بود که دست از غذا میکشید تا دیگران بخورند. سنن النبی، ص ۱۶۶.

### سخن به اندازه فهم مردم

قال الصادق علیه السلام: «ما كلم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم العباد بكنه عقله قط، قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم.» امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفته و فرموده: ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم. سنن النبی، ص ۵۷.

### عدالت در نگاه

قال الصادق علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقسم لحظاته بين أصحابه فينظر الى ذا و ينظر الى ذا بالسويه». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نگاه هایش را بین اصحابش تقسیم میکرد و به این و آن یکسان نگاه میکرد. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۱.

### عاطفه

قال الباقر علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يسمع صوت الصبي يبكي و هوفى الصلوه فيخفف الصلوه فتصير اليه امه». امام باقر علیه السلام: هرگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در نماز، صدای گریه کودک را میشنید، نمازش را سبکتر میخواند تا مادر آن کودک «که در نماز جماعت بود» به بچه رسیدگی کند. سنن النبى، ص ۲۷۳.

### خشم برای خدا

قال على علیه السلام: «ما انتصر لنفسه من مظلومه حتى ينتهك محارم الله فيكون حينئذ غضبه لله تبارك و تعالى». امام على علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از ستمی که به خود او میشد انتقام نمیگرفت، مگر آن که حریم الهی هتک شود، که در آن صورت خشم میکرد و غضبش برای خدا بود. سنن النبى، ص ۴۵.

### مسواک

قال الصادق علیه السلام: «انه صلى الله عليه وآله وسلم كان يستاك فى كل مره قام من نومه». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم هر بار که از خواب بر میخواست، مسواک میزد. سنن النبى، ص ۲۲۲.

### تنظیم وقت

قال على علیه السلام: «كان اذا اوى الى منزله جزء دخوله ثلاثه اجزاء: جزء الله عزوجل , و جزء لأهله و جزء لنفسه». امام على علیه السلام فرمود: پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم، وقتی به خانه خویش میرفت اوقاتش را سه قسمت میکرد: بخشی برای خدای متعال، بخشی مخصوص خانواده و بخشی هم برای کارهای شخصی خود. مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

### حفظ زبان

قال على علیه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم , يحزن لسانه الا عما كان يعنيه و يؤلفهم و لا ينفهم». امام على علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم، سلم زبان خویش را از غیر سخنان مورد نیاز باز میداشت و کلامش را الفت مبخشید و آنان را دور و بیزار نمیساخت. سنن النبى، ص ۱۵.

### ارزشهای اخلاقی

قال على علیه السلام: «كان اجواد الناس كفا و اجرء الناس صدرا و اصدق الناس لهجه و اوفى الناس ذمه و اليهم عريکه و اکرمهم عشره». امام على علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم، از همه مردم بخشندهتر، با جرأتتر، راستگوتر، وفادارتر، خوش اخلاقتتر و نیکو رفتارتر بود. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۴.

## فرزند دختر

قال علی علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا بشر بجاریه قال: ریحانه، ورزقها علیا لله». امام علی علیه السلام فرمود: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به ولادت دختری مژده میدادند، میفرمود: ریحان و دسته گل است و روزی او بر خداست. سنن النبی صلی الله علیه و آله ص ۸۰.

## رو به قبله

قال الصادق علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اکثر ما یجلس تجاه القبلة». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات، رو به طرف قبله مینشست. مکارم الاخلاق، ص ۲۶.

## تواضع

قال الباقر علیه السلام: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله خمس لا ادعهن حتی الممات: الأكل علی الحضيض مع العیید. و رکوبی الحمار مؤکفا و حلبی العنز بیدی و لبس الصوف و التسلیم علی الصبیان لتکون سنه من بعدی». امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از پنج کار تا هنگام مرگ دست برنمیدارم: (به نشانه تواضع) ۱ غذا خوردن روی زمین با بردگان ۲ سوار شدن بر الاغ بی پالان ۳ بز را با دست خود دوشیدن ۴ لباس پشمیه پوشیدن ۵ به کودکان سلام کردن تا این که بعد از من سنت شود. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵.

## آراستگی

قال علی علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یرجل شعره و اکثر ما کان یرجل شعره بالماء». امام علی علیه السلام فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله همواره موهای خود را شانه میزد و بیشتر اوقات، موی خود را با آب صاف میکرد و شانه میزد. سنن النبی، ص ۹۱.

## لبخند در سخن

عن ابی الدرداء: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله، اذا حدث بحديث تبسم فی حدیثه». ابو درداء روایت کرده است: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه سخنی میگفت در کلامش تبسم مینمود و لبخند میزد. مکارم الاخلاق، ص ۲۱.

## راه رفتن

عن ابن عباس: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا مشی، مشیا یعرف انه لیس بمشی عاجز و لا بکسلان». ابن عباس نقل کرده است: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام راه رفتن، چنان با نشاط راه میرفت که معلوم میشد راه رفتن انسان ناتوان و خسته نیست. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۶.

## ساده زیستی

قال علی علیه السلام: «لقد کان رسول الله صلی الله علیه و آله يأکل علی الارض و یجلس جلسه العبد و یخصف بیده نعله و یرقع بیده ثوبه و یرکب الحمار العاری و یردف خلفه». امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روی زمین غذا میخورد و مانند بندگان دو زانو مینشست و با دست خویش کفش و لباس خود را وصله میزد و میدوخت و بر الاغ بی پالان سوار میشد و کسی را هم در ردیف خود سوار میکرد. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۹۵.

### شجاعت

قال علی علیه السلام «کنا اذا احمر البأس و لقی العدو القوم، اتقینا برسول الله صلی الله علیه و آله فما یكون احد اقرب الی العدو منه». علی علیه السلام فرمود: وقتی که آتش جنگ برافروخته میشد و دو لشکر به هم میرسیدند، همه ما به پیامبر اسلام پناهنده میشدیم و کسی نبود که از آن حضرت به دشمن نزدیکتر باشد. محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۵۱.

### شکر

قال الصادق علیه السلام «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحمد الله فی کل یوم ثلاث مئه و ستین مرده». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز سیصد و شصت بار خدا را حمد میکرد. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

### مجلس پیامبر

قال علی علیه السلام «اذا تکلم اطرق جلساؤه کانما علی رؤسهم الطیر فاذا سکت تکلموا، ولا یتنازعون عنده الحدیث، من تکلم انصتوا حتی یفرغ». امام علی علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن میگفت حاضران سرا پا گوش بودند، گویی بر سرهایشان پرند نشسته است. و وقتی ساکت میشد اصحاب سخن میگفتند. در حضور او، در سخن نزاع نمیکردند. هر کس سخن میگفت گوش میکردند تا تمام کند. مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

### در جمع یاران

قال ابوذر: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یجلس بین ظهرانی اصحابه فیجیء الغریب فلا یدری ایهم هو حتی یسأل». ابوذر غفاری گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خویش مینشست. هرگاه غریب و ناشناسی میآمد، نمیشناخت که حضرت محمد کدام یک از آنان است، تا آن که پرسد. مکارم الاخلاق، ص ۱۶.

### عطر

قال الصادق علیه السلام «کان رسول الله صلی الله علیه و آله ینفق علی الطیب اکثر مما ینفق علی الطعام». امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عطریات بیش از غذا خرج میکرد. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

### مردمداری

عن انس: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا فقد الرجل من اخوانه ثلاثه ايام سأل عنه، فان کان غائبا، دعاهو ان کان شاهدا، زار هو ان کان مریضا، عاده». انس «خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله میگوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از اصحاب

خود را سه روز نمیدید از حال او جويا میشد. اگر غایب بود، دعایش میکرد. و اگر در شهر بود به دیدارش میرفت. و اگر بیمار بود به عیادتش میشتافت. مکارم الاخلاق، ص ۱۹.

### فروتنی

قال الصادق علیه السلام «ما اكل رسول الله صلى الله عليه و آله متكئا منذ بعثه الله عزوجل نبيا حتى قبضه الله اليه، متواضعا له عزوجل». امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز از آغاز بعثت تا رحلت، در حال تکیه دادن غذا نخورد (آنگونه که رسم سلاطین بود) و این از روی تواضع در برابر خدا بود. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۲.

### غمزدایی از اصحاب

قال علی علیه السلام «كان رسول الله صلى الله عليه و آله ليسر الرجل من اصحابه اذا رأى مغموما بالمداعبه و كان عليه السلام يقول: ان الله يبغض المعبس في وجه اخوانه». حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه هر یک از اصحاب را غمگین میدید، با شوخی او را خوشحال میکرد و میفرمود: خداوند، کسی را که با برادرانش با تشرویی و چهره عبوس روبرو شود، دشمن میدارد. سنن النبی، ص ۱۶.

### گذری بر سیره اخلاقی پیامبر

یا رسول الله! کلامت، روشن و فصیح بود. و فراخور عقل و درک مخاطب سخن میگفتی، گاهی سخن را سه بار تکرار میکردی، تا طرف خوب بفهمد. هنگام سخن، کلام را با لبخند می آمیختی، هرگز سخن کسی را قطع نمیکردی، زبان به بدگویی و عیبجویی از دیگران نمیگشودی. صداقت که میکردند، میگفتی، لبیک! خطبه هایت، از همه کوتاهتر، ولی پرمایه تر بود. زبانت را از آنچه بی مورد و بیهوده بود، فرو میبستی همواره خدا را یاد میکردی و استغفار بر زبان داشتی، چیزی میگفتی دلها را به هم الفت دهد، نه آنکه میانه ها را به هم بزند، با کسی مجادله و جر و بحث نمیکردی، هنگامی که سخن میگفتی، همه ساکت بودند، آنچنان که گویی بر سرشان پرنده نشسته است، سراپا گوش! نزد تو نزاع لفظی نمیکردند، به سخن دیگران، خوب گوش میکردی. محکم و استوار راه میرفتی، گام برداشتنت، چنان بود که نشان میداد ناتوان و کسل نیستی! آنچنان که گویی سنگی از سرازیری میغلطد، با مهابت و چالاک! وقتی سواره بودی، اجازه نمیدادی دیگران، پیاده پا به پایت راه آیند. یا سوار بر مرکب میکردی یا بر سر موعدی، قرار میگذاشتی. از گذرگاهی که عبور میکردی، عطر نشان میداد که از آنجا گذشته ای. از هر جامیگذشتی سنگها و درختان، تعظیم میکردند. در سفرها آخرهای جمعیت راه میرفتی، تا اگر کسی در ماند، یا کمک خواست. کمکش کنی. گاهی سوار اسب میشدی. گاهی بر قاطر و الاغ سوار میشدی، یا بر شتر، و گاهی نیز پیاده! سواره که بودی، دیگران را هم بر ترک مینشاندی. اوقات داخل خانه را به سه قسمت تقسیم میکردی: بخشی برای نیایش و عبادت و برای خدا، قسمتی برای خانواده و بخش دیگری برای کارهای شخصی خود. در خانه، با خانواده همکاری میکردی، گوشت میریدی، شیر میدوشیدی، لباس وصله میزدی، هر غذایی که میپختند، میخوردی، از طعامی بد نمیگفتی، در را میگشودی، کفش خود را میدوختی. بر زمین مینشستی و بر زمین غذا میخوردی، به خدمتکار خانه وقتی خسته میشد کمک میکردی، زیر اندازت عبایی بود و بالشی از پوست، پر شده از لیف خرما! بر حصیر میخوابیدی، هنگام خواب، مسواک میزدی و دعا میخواندی و چون از خواب بر میخاستی، خدا را سجده میکردی. کار مراجعه کنندگان را راه میانداختی، نیازمندان و سائلی را دست خالی رد نمیکردی. بنده شکور خدا بودی. نور چشمانت «نماز» بود. وقتی به نماز می ایستادی، از خوف خدا رنگ از چهره ات میپزد. در سینه، ناله های سوزناک و آوای حزینی داشتی. هنگام سجود، چنان بر

زمین میچسبیدی، که گویا جامه ای بر زمین افتاده است. وقت نماز که میرسید، دیگر کسی را نمیشناختی و به چیزی توجه نداشتی جز به نماز! به نماز عشق میورزیدی. فرا رسیدن «وقت» نماز را انتظار میکشیدی، و هنگام نماز که میشد، میگفتی: ای بلال! خوشحالم ان کن، هیچ چیز را بر نماز مقدم نمیداشتی. میفرمود (به ابوزر): خداوند، فروغ دیدگانم را در نماز قرار داده است. آنگونه که گرسنه، غذا را دوست میدارد و تشنه آب را، من هم شیفته نماز. با این تفاوت که گرسنه و تشنه، سیر و سیراب میشود، اما من از نماز، سیر نمیشوم. رکوعها و سجودهای طولانی داشتی. به خدا عرضه میداشتی: پروردگارا! دوست دارم یک روز سیر باشم و شکر کن، روز دیگر گرسنه باشم تا از تو سؤال کنم. نشست و برخاست، همراه با «ذکر خدا» بود. با آنکه «معصوم» بودی، ولی آن قدر از خشیت خدا میگریستی که مصلا و سجده گاهت خیس میشد. هنگام دعا، همچون مسکینان نیازمند دستها را بالا میگرفتی. «بنده خدا» بودی. یک بار که بر زمین نشسته و با دست غذا میخوردی. زنی گفت: یا رسول الله، چرا مانند بندگان نشسته و غذا میخوری؟ و... فرمودی: وای بر تو! چه کسی بنده تر از من است؟ تو عبد خدا و رسول او بودی. چهره ات گشاده بود و خوش رو. به هر کس میرسیدی سلام میگفتی. با هر که دست میدادی، آن قدر صبر میکردی که او دستش را بکشد. به صورت کسی خیره نمیشدی. به هیچ کس، دشنام و ناسزا نمیگفتی. بر تند خویی و بداخلاقی دیگران صبر میکردی. هدیه مردم و دعوت بردگان را میپذیرفتی، به عیادت بیماران و تشییع جنازه میرفتی. از اصحاب، تفقد و احوالپرسی میکردی. دیر غضبناک میشدی، زود میبخشیدی، از همه بیشتر عذرپذیر بودی. با بینوایان محروم، هم غذا و همنشین میشدی. پیش دیگران، پایت را دراز نمیکردی، مزاح و شوخی میکردی ولی جز «حق» نمیگفتی. با یاران، حلقه وار مینشستی. خود را برای اصحاب می آراستی و عطر میزدی. باری بر دوش مردم نبود. در کارهای اجتماعی مشارکت داشتی. بخشنده و سخی بودی. چیزی را از خواستاران مضایقه نمیکردی. به بزرگ هر قومی احترام میکردی. آری.... ای رسول خدا! وفای به عهد، صدق و راستی، امانت و محبت از ویژگیهای تو بود. از مهمان کار نمیکشیدی، خلف وعده نداشتی، مردمدار و اهل مدارا بودی، سعه صدر و وسعت نظر داشتی، اخلاقت قرآن بود! قرآن مجسم بودی و آیات عینیت یافته کلام الله!